

جلسه سوم:

بررسی نیازهای انسان در فضاهای معماری:

- انسان نقطه آغاز هستی، زندگی، هنر، دین و دینداری است. همانگونه که نقطه آغاز سلوک و رویش وجود آدمی نیز اصل خود آگاهی است.

- در الگوی رفتاری انسان موجودی رفتار محور است. این رفتار کنشگرایانه بر وابستگی های محیطی به مثابه عوامل تعیین کننده رفتار تاکید و تلاش می کند آن ها را شناسایی و در طراحی محیط لحاظ کند.

- شیوه های رفتاری فرد یا گروه یا فرهنگی ممکن است به دلیل فشارها و قید و بندهای محیط تغییر و تحول یابد. این مساله نیز با به حداکثر رساندن قابلیت های محیطی و آموزش شیوه های استفاده از محیط به افراد قابل حل است.

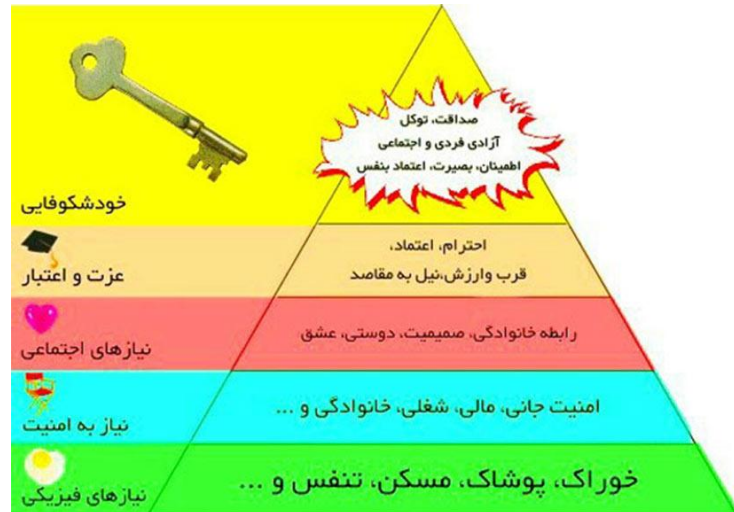
زمانی که مباحث و تفکرات مربوط به جامعه را ریشه یابی کنیم به یونان باستان و ارسطو می رسیم و این اعتقاد که جامعه همانند یک موجود زنده دارای دو بخش کالبد (جسم) و روح (روان) است. مجموعه ای که ما به عنوان یک شهر می بینیم و آن را روزانه لمس می کنیم، از همین ترکیب شکل گرفته که کالبد نیازهای مادی و روح نیازهای معنوی را برطرف ساخته است. حال اگر بخواهیم این تاثیرپذیری انسان از محیط و یا به بیان بهتر، روانشناسی محیط در معماری را هم جزئی از همین ساختار در نظر بگیریم، خواهیم دید که ساختمان ها و هر آنچه به معماری مربوط می شوند بر کیفیت زندگی شهروندان تاثیرگذار خواهند بود؛ چه زمانی که بخواهیم از کاربری، فرم، ارگونومی، پلان بناها صحبت به میان بیاوریم و چه زمانی که وارد مباحث زیبایی شناسی، تناسبات، رنگ ها و گرافیک بشویم.

طراحی دو معنا دارد: ایجاد آسایش و حفظ امنیت انسان. از اینرو برای ایجاد و طراحی محیطی با این خصوصیات باید به بررسی انسان و محیط اطراف او از طریق دانشی به نام روانشناسی محیط پرداخت.

سلسله مراتب نیازهای انسان به لحاظ روانشناسی براساس هرم مازلو:

آبراهام مازلو (Abraham Maslow) روانشناس انسان گرا بود که در تحقیقات خود بر روی شخصیت انسان هرمی ارائه داد که به قرار زیر می باشد.

براساس هرم مازلو انسان موجودی است با ۵ طبقه نیاز که به ترتیب نیازهای فیزیکی، نیاز به امنیت، نیازهای اجتماعی، نیاز به عزت و احترام و نیاز به خودشکوفایی است. که با برآورده شدن طبقات اولیه می تواند به طبقات بالاتر بپردازد.



نیازهای فیزیولوژیک (Physiological needs)

نیازهای فیزیولوژیک، برای همه‌ی ارگانیسم‌ها وجود دارند. نیازهایی که به حفظ وضعیت بیولوژیک ارگانیسم و بقاء آن کمک می‌کنند.

غذا، آشامیدنی‌ها، خواب، اکسیژن، سرپناه و رابطه‌ی جنسی در این گروه قرار می‌گیرند.

اگر نیازهای فیزیولوژیک برای مدت نسبتاً طولانی تأمین نشوند، فرد برای تأمین نیازهای دیگر برانگیخته نخواهد شد.

نیازهای مربوط به امنیت (Safety needs)

این نیازها به ارگانیسم کمک می‌کنند تا بتواند دنیایی منظم، پایدار و قابل پیش‌بینی در اطراف خود ایجاد کند.

نبودن شرایط پایداری و ثبات، می‌تواند به اضطراب و حس ناامنی منتهی شود.

تأمین‌نشدن نیازهای مربوط به امنیت، باعث می‌شود که فرد، بخش مهمی از زمان و انرژی خود را به این سطح از هرم نیازها اختصاص دهد و انرژی و انگیزه‌ی کمتری برای پرداختن به لایه‌های بالاتر باقی بماند.

نیازهای اجتماعی (نیاز به عشق و تعلق) (Belonging and love needs)

پس از تأمین نیازهای فیزیولوژیک و نیازهای مربوط به امنیت، نیاز به عشق و تعلق خاطر، برانگیخته می‌شود.

فرد به جستجوی روابط نزدیک و صمیمی برمی‌خیزد و می‌کوشد خود را به گروه‌های مختلف (خانواده، گروه‌های حرفه‌ای، همسایگان، گروه رفقا و دوستان و مانند این‌ها) نسبت دهد.

نیازهای مربوط به «احترام به خود» (Self-esteem needs)

احترام به خود، در قالب دو نیاز مختلف نمایان می‌شود:

- میل به کسب احترام از سوی دیگران (پذیرش اجتماعی، موقعیت اجتماعی، پرستیژ و مانند این‌ها)
- احترام خودم به خودم (توضیحات مازلو در این بخش، بسیار به مفهوم عزت نفس نزدیک است)

نیاز به خودشکوفایی (Self-actualization needs)

اگر همه‌ی نیازهای لایه‌های قبل، تأمین شوند، نیازهای مرحله‌ی خودشکوفایی فرصتی برای ظهور و بروز پیدا می‌کنند؛ البته به شرطی که خود فرد هم در این‌جا خودشکوفایی را آگاهانه انتخاب کند.

طراحان به تجربه دریافته‌اند که طراحی برای ساخت محیطی همساز با خواسته انسان در جوامع بزرگ و پیچیده، مستلزم همگامی با دانش‌هایی است که آنها را در رفع کاستی‌ها یاری سازد. روان‌شناسی محیطی، زیرمجموعه‌ای از علوم رفتاری است که رابطه انسان با محیط کالبدی و تأثیرات این دو بر یکدیگر را موردبررسی قرار می‌دهد. در این رویکرد، تمرکز اصلی طراح بر شناخت الگوهای رفتاری موجود در بستر طراحی و تلاش برای تأثیر مناسب بر آنها از راه ایجاد قرارگاه رفتاری مطلوب است.

قرارگاه رفتاری، عنصری تحلیل‌کننده است که برای تشریح کارکردهای اصلی فضاهای معماری و طراحی شهری و یا طراحی آنها به کار گرفته می‌شود و واحد کوچک اجتماعی‌ای که از تلفیق پایدار یک فعالیت و یک مکان حاصل می‌آید. طراح در تلاش برای ایجاد دل‌بستگی به مکان، پیوند احساسی میان انسان با محیط فیزیکی را از راه معنایی که فرد در فرآیندهای تعاملی با مکان به آن الصاق می‌کند، شکل می‌دهد و در پی این پیوند احساسی با مکان، فرایندهای شخصی‌سازی نیز آغاز می‌شوند، آن هم با خلق مکان‌هایی که امکان جریبان یافتن فعالیت‌های گوناگون را فراهم می‌آورند و حق‌گزینش‌های بیشتری را برای مردم ایجاد می‌کنند.

از آنجا که انسان، مجموعه‌ای از نیاز و خواست است، پس معماری نیز فرایندی وابسته به این دو است. این فرایند هنگام اندیشیدن به رفع نیازها، عملکرد درونش سامان می‌یابد و زمان تفکر به خواست‌ها، فرم درونش نظم می‌گیرد.

تاثیر نمونه هایی از پرداختن به نیازهای انسان را در معماری می توان چنین دید:

نیاز به تعلق و محبت:



احساس تعلق که پاسخگوی یکی از نیازهای اساسی انسانی است، در خانه های سنتی به بهترین وجه پاسخ گفته شده است. انسان برای رسیدن به خانه، از فضای شهر، به منطقه، سپس به محله و در محله از طریق کوچه به همسایگی و بعد از آن به خانه خود می رسد و احساس تعلق به تدریج در او شکل می گیرد.

به طوری که هزینه به خانه نزدیکتر می شود، محیط برای وی آشناتر، صمیمی تر و خصوصی تر می شود.

نیاز به احترام



ارتفاع در - که در تمامی درهایی که بین فضای خارج و داخل قرار دارد، به چشم می خورد - باعث توقف فرد و تأمل وی در ورود به فضا و حرمت گذاری به فضاهای داخلی که محل های اصلی زیست است، می شود.

از منظری دیگر معماری شاید بیش از هر هنر دیگری به " کیفیت حضور انسان " در جهان می اندیشد، حضوری که مدام توسط پیچیدگی های تکنولوژیکی جهان تهدید می شود و ادراکات حسی انسان را در یک تنگنایی قرار می دهد و در نهایت اگر این تنگنا به مفری راه پیدا نکند با خود حسی از " فقدان " می سازد که همین امر موجب ناآرامی و تشویش روحی انسان می گردد.

عوامل تاثیر گذار برای ایجاد رضایت از محیط در کاربران:

در جهت خلق آسایش و آرامش توجه به سطح توقعات، انتظارات و ترجیحات مردم در رفتار مسکن که از ضروریات محسوب شده و رضایتمندی آنان نیز وابسته به ترجیحات و پسندهایشان می باشد. از طرفی با

ایده آل ها و ترجیحات کاربران با توجه به سن، فرهنگ، اقلیم، سلامت روحی و جسمی کاربران ارتباط مستقیم دارد.

- سن به عنوان یک متغیر مهم در نظرات و دیدگاه‌های افراد تأثیرات بسزایی دارد، بطوریکه انسان‌ها بر حسب اینکه در چه گروه سنی قرار دارند، در رابطه با موضوعات مختلف دارای دیدگاه‌های متفاوتی می‌باشند.

- فرهنگ و اقلیم نه تنها از نظر آرایش فضایی بنا بلکه از همه مهم تر از لحاظ ترتیبات فضایی و فعالیتهای کاربران مورد توجه می‌باشد. به عبارتی، ویژگی‌های اجتماعی- فرهنگی ساکنان، پیکربندی مسکن را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ بدین مفهوم که قوانین حاکم بر رفتار ساکنان در پیکربندی فضاها نمود می‌یابد.

در واقع رضایت کاربران از محیط مسکونی ، با برآورده شدن ترجیحات آنها ، نحوه استفاده و رفتارها، ارزش ها و نیازهایشان هماهنگ می‌باشد.

جلسه چهارم:

دکوراسیون داخلی و چگونگی پرداختن به آن:

همه انسانها در اعماق درون خود خواستار آرامشند. این امر، برای هر فرد، اگر نه در هیچ جای دیگر، حداقل در خانه باید محقق شود. در خانه است که می‌توان انرژی‌های از دست‌رفته طی روز را جایگزین کرد. دور هم جمع شدن اعضای خانواده، گپ زدن و چیزهای ساده این‌چنینی به ما انسانها کمک می‌کنند تا خستگی‌های روزانه را در جایی بیرون از خانه جا گذاشته و برای فردا آماده شویم. فضای داخلی خانه می‌تواند منبع تمام‌نشدنی نشاط و آرامش باشد به شرطی که بعضی از جزئیات ظریف که بسیار موثر هم هستند رعایت کنیم. گاهی توجه به نکته‌های کوچک، نتایج بزرگی به دنبال دارد.

امروزه اهمیت طراحی مناسب فضای داخلی منزل و محیط کار و تاثیر آن در افزایش بهره‌وری و ایجاد حس آرامش امریست انکار ناپذیر. هرچند استفاده از میلگرد و رابیتس و متعاقب آن گچ یا سیمان سالهاست در کشور ما رواج دارد اما در طول این مدت نحوه طراحی داخلی بویژه طراحی دکوراسیون سقف دستخوش تغییرات زیادی شده است. سابق بر این طرحها همگی یک چهارچوب خاصی داشتند، استفاده از اشکال منظم، چند ضلعی منظم، دایره یا بیضی و یا تلفیقی از این اشکال بسیار متداول بود اما امروزه طراحان داخلی سعی دارند کمتر از قرینه سازی استفاده نمایند و یا به بیان بهتر سبکهای کلاسیک رفته رفته جای خود را به سبکهای مدرن داده‌اند.

توجه به فضای داخلی و نحوه و تقسیم بندی پلان ها، نقش مهمی را در ساختار معماری یک بنا بر عهده دارد. طراحی فضایی با انعطاف پذیری بالا و تنوع پذیر از لحاظ چیدمان و آرایش سطوح می‌تواند کارکرد های مختلفی را بپذیرد و این در حالی است که مخاطب احساس رضایت بیشتری از فضا خواهد داشت. استفاده از جدا کننده های سبک و قابل حمل، شفاف سازی، رنگ بندی های متناسب با نیاز های موجود، تنوع مصالح، توجه به نحوه قرار گیری و تعامل مابین فضاهای مختلف از جمله ویژگی هایی هستند که در کنار ساختار خاصی که برای یک پلان معماری در نظر گرفته شده است، می‌تواند بر غنای آن افزوده و حتی قسمتی از مشکلات آن را حل کند.

معماری داخلی نقش عمده ای در کیفیت فضای ساختمان ایفا می‌کند. نحوه چیدمان و تقسیم بندی فضا، جنس و رنگ پوشش سطوح (کف، سقف و دیوارها) ، نور پردازی، مبلمان و مجموعه عوامل موثر دیگر تعیین کننده زیبایی و کار آمدی فضاهای داخلی هستند. امروزه تاثیر معماری داخلی بر آرامش (مجموعه هنجارهای عصبی) ، راندمان (در فضاهای اداری) ، اثر بخشی (در فضاهای تجاری) بسیار بدیهی و لازم به نظر می‌رسد.

از سوی دیگر معماری داخلی به لحاظ معیارهای روانشناسی اهمیت بسیاری دارد. میزان امنیت، صمیمیت، شور و هیجان و آرامش موجود در یک فضا را می توان با راهکارهای مناسب تشدید یا تضعیف کرد. باید دانست که هر کدام از انسان ها دارای تعلقات ذهنی و روحی خاصی هستند که پاسخگویی به نیازهای آنها در معماری داخلی در اولویت قرار می گیرد.

امروزه الگوها و ایده های مختلفی اعم از مدرن و کلاسیک، توسط طراحان این رشته به کار گرفته می شود و از محدودیت های معماری در زمینه اجرا، معمولا خبری نیست و می توان به ایده های بلند پروازانه ایشان تجسم بخشید، چه بسا به گونه ای میان گستره ای، موضوع فعالیت رشته های مختلف هنری از مجسمه سازی گرفته تا نقوش برجسته قرار میگیرد. پیشرفت تکنولوژی به سبب تسهیل در یکسری از مسائل تاسیساتی و اجرایی از یک طرف و تنوع و کارآیی بالا در محصولات عرضه شده، زمینه مساعد و کارآمدی را در سطح جامعه به وجود آورده است؛ بهانه ای که پرداختن به مقوله طراحی داخلی را جزء لاینفک فضاهای معماری بر می شمارد. معماری داخلی و توجه به جزئیات و تزئینات بعد از چندین دهه سکوت و فراموشی، رویکردی دوباره پیدا کرده و جالب تر اینکه سعی می کند نمود هایی از معماری گذشته را در تلفیقی با الگوهای مدرن بیان کند؛ مساله ای که سال ها است در معماری مورد بحث و جدل قرار گرفته و تاکنون نتیجه ای حاصل نشده است.

معماری گذشته ما سرشار است از ظرافت ها و ریزه کاری هایی که هزاران ایده و خلاقیت را در خود نهفته دارد. تزئینات و کاشیکاری های داخلی با تناسبات و رنگ بندی خاص خویش در کنار کالبد درونی، فضایی رمزگون را تداعی می کنند و هم اکنون نیز ارزش فضایی خویش را حفظ کرده است یک طراح داخلی مسئول طراحی، دکوراسیون و عملکرد فضای کارفرماست خواه فضا تجاری باشد یا صنعتی و مسکونی. او همکاری نزدیکی با معماران و کارفرمایان برای تصمیم گیری در مورد ساختار یک فضا، نیاز کاربران آن و بهترین سبک مناسب هر دو مورد دارد. این حرفه ترکیبی از مهندسی و هنر می باشد و مستلزم داشتن ذهنی منحصر به فرد برای بکارگیری مناسب هر دو رشته است.

علاوه بر شناسایی رنگ و محصولات و مصالح و مبلمان باید مهارت گفتگو با کارفرما و قبول سفارشات را داشته و روشهای اجرا و نگهداری عناصر معرفی کننده فضا را بداند. همچنین باید ساختار فضا را بشناسد. این عامل از دانش مورد نیاز برای طراح او را از دکوراتور متمایز می کند.

طراح داخلی باید قابلیت برنامه ریزی و اجرای پروژه، تصمیم های عملکردی را داشته و با پیمانکار و کارفرما همکاری کند و تمام کارها بنا به نظر خود آنها انجام شود. برای این منظور باید بین سلیقه خود و کارفرما تعادل برقرار کند و بیشتر سلیقه کارفرمای خود را در نظر داشته باشد. این عامل شاید در ابتدا برای کسانی

که می‌خواهند وارد این حرفه شوند ناامید کننده باشد. بخصوص کسانی که می‌خواهند قبل از اینکه ساخت یک بنا تمام شود طراحی خودشان را شروع کنند. این دو موضوع بیانگر این نکته است که آنها باید در مورد طراحی اولیه و پردازش اطلاعات و زمان‌بندی کارها مهارت داشته باشند. این اصل موجب تعجب تعداد زیادی از طراحان واقعی می‌شود که انتظار دارند تأثیرپذیری کمتری از قواعد اجرایی و فنی در مورد پیدایش یک فضا و حس کلی آن داشته باشد.

افراد موفق در این صنعت اظهار می‌دارند قابلیت متعادل کردن عملکرد با زیبایی، تعیین کننده موفقیت یک طراح داخلی است. با وجود پیچیدگی کار، آنان که بخوبی از عهده آن بر می‌آیند بسیار راضی و خشنودند.

آنچه که همواره باید مد نظر قرار گیرد آنست که هر فضای داخلی اعم از محل کار، تفریح یا سکونت، قابلیت زیبا شدن را دارد؛ تنها بایست از اصول و عوامل سازمان بندی صحیح بعلاوه کمی ذوق و سلیقه استفاده کرد تا شرایط مناسب و دلخواه پدید آید. شروع کار در فضا سازی و تزئین باید عاری از جنبه های ذهنی و خیال پردازي غیر واقعی باشد. برخورد اول با مساله لازم است با در نظر گرفتن عینیات و امکانات صورت پذیرد. ساختن خانه‌ای در رویا آسان اما در عمل سخت و دشوار است!

در این بین همواره هدف ارائه طریقتی است که تخیل نیز مانند سایر عوامل، تحت نظمی منطقی درآید و شکل عنصری سازنده به خود گیرد. به خاطر عوامل متعددی که در شکل گیری یک طرح موقت دخالت دارند اجرای کار نیازمند برنامه ای دقیق و منظم است. پیشرفت قدم به قدم و حساب شده از اتلاف وقت و هزینه می‌کاهد و در نتیجه حاصل کار را پر ثمر می‌سازد، لذا در طرح اجرائی عواملی چند لازم است مورد نظر قرار گیرد.

عملکرد

اولین عنصری که در بدو امر باید مدنظر قرار گیرد عملکرد و نحوه استفاده از فضای داخلی است. یک چهار دیواری می‌تواند به عنوان اطاق خواب، نشیمن، اطاق بچه، آشپزخانه، سالن ورزش، فروشگاه یا اداره شخص معین برای فعالیت مشخص قرار گیرد... ضروری است با استفاده از عواملی چون نورپردازی و چیدن مبلمان تقسیم گردد تا عملکرد هر یک دقیقاً مشخص شود.

افراد

نیازهای یک خانواده پر جمعیت با احتیاجات فردی مجرد یکسان نیست. وجود اطفال خردسال قهراً نوع خاصی تزئین را دیکته میکند خصوصیات روانی افراد خانواده و زمانی را که با هم یا جدا از هم در منزل

صرف میکنند نیز از عواملی مهم در آرایش خانه بشمار میرود لذا منظور داشتن سلیقه کلیه اعضای خانواده ضروری است.

آسایش

در نظر گرفتن آسایش ساکنان خانه بیش از زیبایی در دکوراسیون واجد اهمیت است. اطاق زیبا اما غیر قابل استفاده تدریجا به جایگاه ارواح بدل میگردد! محل کار زندگی یا استراحت چنانچه شرایط مناسب و راحتی فراهم ننماید دارای فضای سنگین و کسالت بار شده افراد را از خود گریزان خواهد نمود نقش عمده معماری و تزئین داخلی در حقیقت ایجاد محیطی مناسب برای زیستن و فعالیت های انسانی است.

ویژگیها

منظره اطاق، میزان نور طبیعی و خصوصیات معماری ساختمان از دیگر عواملی هستند که قبل از شروع تزئین باید مدنظر قرار گیرند. این عوامل اجزا ثابتی را تشکیل میدهد که تغییر آنها و پس از اتمام کار دیگران امکان پذیر نیست لذا ترکیب بندی را طوری باید انجام داد که از جنبه های مثبت این ویژگی ها حداکثر بهره برده شود.

نقشه

انجام کار چه در ساختمانی نو و چه تغییر دکور یک ساختمان کهنه باشد باید با در نظر گرفتن شکل فضا و پیاده کردن نقشه آن صورت گیرد. کشیدن نقشه یکی از ضروری ترین اقدامات است.

مبلمان یا تغییر رنگ بر روی نقشه امری ساده و بدون خرج است اما ارتکاب هر اشتباه پس از اتمام کار به قیمت صرف هزینه اضافی و دوباره کاری است. نقشه نه تنها فضای قابل استفاده را پیشاپیش نمایش میدهد بلکه به کمک آن میتوان تعداد و اندازه اثاثه مورد نیاز را نیز مشخص کرد.

نور

ضمن کشیدن نقشه مناطقی که از آنجا نور طبیعی به داخل تابیده میشود و نواحی تاریک، همچنین تعداد چراغهای سقفی و آباژور با تعیین محل دقیق آنها لازم است مشخص گردند محاسبه رو شنائی عمومی و نقاطی که احتیاج به نور بیشتری برای مطالعه یا کار دارند واجد اهمیت خاصی است.

سطوح

سطوح اصلی اتاق شامل سقف و کف و دیوارها است؛ پرده‌ها روکش مبیل و صندلی، سطح درها و پنجره‌ها نیز سطوح کوچکتر را تشکیل می‌دهند. رنگ، نقش، بافت در بزرگ یا کوچک جلوه دادن اتاق موثر است. نقوش درهم و رنگهای تند بر سطوح مذکور قدرت جلب توجه بیشتری داشته و فضا را شلوغ و کوچک خواهند کرد. تاقچه‌ها، رف‌ها، ارسی‌ها، هشتی‌ها، حوض‌ها و باغچه‌ها تنها شماری از عناصر کالبدی طراحی داخلی در ایران هستند. روش معماران گذشته ایرانی در به کارگیری این عناصر، در راستای آن بوده تا از جذابیت فرم کاسته شود و به غنای فضا افزوده گردد. این همان هندسه همراه با تزئینات است.

طراحی داخلی در حال حاضر:

طراحی داخلی فرآیندی است که همزمان می‌بایست سویه‌های زیباشناختی و عملکردی را سامان دهد. طراحی داخلی یک ساختمان، داستانی است که شخصیت اصلی آن خود انسان است؛ در این بین حضور او در این فضا، چگونگی آن و ویژگی‌های فضایی که انسان در آن قرار می‌گیرد، می‌تواند تداعی‌کننده اصولی باشد که در فوق به آنها اشاره شد.

شهر به واسطه حرکت انسان در آن و تداوم تجارب فضایی او درک می‌شود و معماری در لحظه مواجهه با اثر و در تجربه انسانی شکل می‌گیرد، معماری یک موقعیت است و زمانی کامل می‌شود که تجربه شود، بنابراین زمان دارد، مکان دارد، حضور دارد و ما همواره در تعامل و تحت تاثیر این تجربه دائمی از ساختمان و شهر هستیم.

اگرچه، شهر ما امروز دچار انواع اغتشاشات بصری، مقیاسی، اغتشاش در سازماندهی فضایی و روابط شهری شده که این امر همواره باعث افزایش استرس، ایجاد ناآرامی و تنش در افراد جامعه می‌شود. با نگاهی دقیق تر به وضعیت ساختمان‌های شهر تهران، فارغ از تقسیم بندی‌های عملکردی می‌توان ۴ گروه مختلف برای آن‌ها متصور شد.

۱۰- مغشوش بصری: با المان‌های بسیار زیاد و نا مربوط همراه با ترکیب بندی‌های بد در طراحی و استفاده از متریاال‌های زیاد و ناهمگون.

۲۰- ساختمان‌های رومی: مربوط به شرایط فرهنگی و اقتصادی قرون گذشته اروپا که با عدم رعایت همان اصول زیبایی‌شناسی کلاسیک، به تلاشی در راستای رقابت بیش تر افراد و افزایش سطحی نگری و ظاهرگرایی در جامعه تبدیل شده اند.

۳۰- تماشایی بصری: نوعی از معماری مدرن که تمام تلاش آن‌ها پچیده کردن موضوعات ساده و رقابت در تولید فرم‌های بیانگر که مخاطب را تحت تاثیر اولیه قرار می‌دهد.

۴۰- ساختمان‌های از نظر بیانی خنثی: آن‌ها به شکلی که فضا، زمان، مردم، عملکرد و چیزهای دیگر را سازماندهی می‌کنند تماشایی هستند و در ادامه از نظر بصری هم تماشایی خواهند بود که به عقیده من نوع درست معماری برای شهر تهران است، این گروه با ایجاد روابط فضایی صحیح و توجه به حریم‌های مورد نیاز افراد، آرامش درونی آن‌ها را افزایش می‌دهند، با دیتیل‌های اجرایی بسیار تمیز و توجه به مسائل پایداری در کنار سادگی و استفاده به مقدار از متریال مناسب و یکسان در عین افزایش آرامش حاصل از این نظم و قرارگیری صحیح اجزا، افراد را مسوولیت‌پذیر و حساس به محیط اطراف می‌کند. ساختمانی که تلاش می‌کند با به اندازه‌گویی با مخاطب خود ارتباط صحیح برقرار کند و به او اجازه تجربه کردن بدهد.

جلسه پنجم:

طراحان داخلی چگونه بیاندهشند:

انسان در تصویر ذهنی برگرفته از سیمای شهری و فرم معماری، ناخودآگاه بر اساس مشاهدات و تجربیات خود از جهان اطراف به برقراری ارتباط حسی و حتی بازآفرینی حس نوستالژیک با عناصر شهری و معماری می پردازد.

از یک منظر در جامعه امروز ما انسان با پیشرفت تکنولوژی و به روز شدن نسبی با جهان پیرامونی خود به دنبال تنوع و تجربه های نو می گردد و در همین حین معمار وظیفه دارد با توجه به سطح دانش و تجربه اش، از منظر طراحی شهری تجربه بصری و حسی متفاوت و البته مانوسی را عرضه کند به طوری که با عملکردی یکپارچه، طی پروسه طراحی، تولید فرم و تناسبات بصری، هم باعث ارتقای سواد بصری و زیبایی شناسی جامعه گردد و هم سطح رفاه و آسایش حسی را ارتقا بخشد.

از ساختاری که به وسیله معماری شکل می گیرد حاصل دیدگاهی است که حتی در حرکت نیز سعی می کند جایی برای درنگ و مکث به وجود آورد، و این درنگ شکل جدیدی از روابط انسانی را می سازد، که با قرارگیری طیفی از نزدیکی ها و فاصله ها، حضور طبیعت همچون بارش نور خورشید و لمس گیاهان، از ریتم تند و پر فشار امروزی می کاهد و لحظاتی را جایگزین می کند تا حواس انسان بیش تر درگیر محیط پیرامون خود شود. مهم این است که این تاثیرات حسی با تداوم باعث آرامش روان آدمی گردد. شاید بتوان گفت آنچه باعث افزایش تاثیر معماری بر شهر می شود معمارانی هستند که نه تنها در نقش " پاسخگو " بلکه با نگرش تولید کنندگی، یک سیکل موثر "تولید کننده-پاسخگو" را رقم می زنند. قرار گیری معمار در این سیکل، بسته به نوع عملکرد و مقیاس پروژه می تواند به " برنامه تولید " و " پاسخ " های متنوع منجر شود و بر میزان تنش ها اثرگذار باشد. به طور مثال بلند مرتبه سازی، تاثیرات منفی بر سیمای شهری، خط آسمان و جداره های شهری ایجاد کرده است. در نهایت به عبارتی هر چه عملکرد این سیکل از پویایی و فعالیت بیشتری برخوردار باشد اثرگذاری مثبت در جامعه افزایش خواهد یافت.

طراحان هنگامی که به ناچار باید با خطوط عجیب و غریب و محدودکننده قطعات، تکه فضاهای وصله پینه ای، مناظر چشم آزار؛ اما هیجان انگیز، شیوه قرار گرفتن خیابان ها کنار هم و مسائلی از این قبیل کنار بیایند، معمولاً بهترین اثر خود را می آفرینند.

فضا سازی در کافه کاراکتر-تهران - محیطی انسانی:



معماری داخلی، خلق فضای درون ، همواره با دو ابهام و مرزبندی مواجه بوده است . از یک سو چگونگی تفکیک معماری از معماری داخلی و از سوی دیگر مرز میان دکوراسیون (تزئینات داخلی) و مبلمان از معماری داخلی ، بحثهای بسیاری را در سطح حرفه به خود اختصاص داده است . این مرزبندیها بیشتر از آن جهت مورد توجه بوده است که شاید بتواند پاسخی روشن و تعریفی شفاف برای مسائل حقوقی و قراردادی ، مالکیت معنوی و حیطه اختیار معماران ارائه دهد .

اما آنچه باعث شده است تا به موضوع معماری داخلی توجهی جداگانه شود و امروزه با وسعت پروژه های معماری در جهان موضوع طراحی داخلی به عنوان یک تخصص جداگانه دارای اعتبار باشد ، ناشی از نقش ویژه این موضوع در بهبود زندگی انسان و نیز تأثیر شگرفی است که معماری داخلی در ارتقاء “محصول معماری” از سبک و زبان ابتدایی به سوی کارآمدی دارد .

در این نوشتار سعی شده است که فارغ از مرزبندیها برای ارزیابی و چگونگی “محصول معماری داخلی” یا “فضای درون” ارائه شود .

خلق فضای درون :

آنچه از فضای درون دریافت می شود متأثر از عناصری است که در تعامل با انسان و زندگی هویت می یابد و این فضای خلق شده وجه تمایز اصلی “محصول معماری داخلی” از همه عناصر در بر گرفته خود است . خلق فضای درون طراح را با ۴ پرسش اساسی روبرو می کند :

۱. چگونه می توان از عناصر استوار سازنده بنا که از وجوه اصلی عناصر کارکردی در محصول معماری هستند بهره گرفت ؟

بهره مندی درست از عناصری نظیر سازه ، پوسته و جداره های داخلی ، سیستم تأسیسات مکانیکی و تهویه ، سیستم تأسیسات الکتریکی و روشنایی و نظایر آن ، برای فراهم آوردن فضای درون باعث می شود تا فضای داخلی برای شکل پذیری و کیفیت یابی خود کمتر نیازمند عناصر الحاقی باشد و ارزشها و امکانات محصول معماری به درستی به کار گرفته شود .

۲. طرح در چه بستر و محیطی صورت می پذیرد ؟

شرایط محیطی کمی نظیر اقلیم ، تابش ، آلودگی و نظایر آن هر یک رعایت استانداردهایی را شامل می شوند که در انتخاب فرم ، مصالح و در مجموع طرح فضای داخلی موثر است . همچنین شرایط محیطی کیفی مانند بستر فرهنگی و اجتماعی طرح ، بستر تاریخی ، نحوه و روش زندگی مردمان و استفاده کنندگان و نظایر آن طراح را به سمت خلق فضایی رهنمون می نماید که یا در جهت تأیید و تکمیل شرایط موجود است یا در جهت تحول و تغییر آن .بستر معماری طرح نیز از عناصر محیطی موثر در معماری داخلی است که دریافت درست ویژگیهای آن باعث می شود طراح بتواند فضای داخلی را در وحدت با کلیت معماری خلق کند .

۳. چگونه می توان از عناصر الحاقی برای فزون بخشی کیفیت فضا و کارآمد ساختن آن بهره جست ؟

عناصر الحاقی ثابت ، که عبارتند از پوششهای کف و دیوار و سقف ، دربها ، پنجره ها ، تجهیزات ثابت نظیر کمدهای کارگذاری شده ، دریچه های تأمین تهویه ، نورپردازیهای ثابت و نظایر آن ، معرف بافت ، رنگ ، نور و نیز چگونگی امکان زندگی در فضا هستند . عناصر الحاقی متحرک ، نظیر مبلمان اشیاء تزئینی ، نورپردازیهای متحرک علاوه بر آن که که تکمیل کننده امکان زندگی و آسایش هستند ، کیفیت فضا را فزونی می بخشند .

همانطور که مشاهده می شود عناصر الحاقی وسیع ترین بخش در حیطه فراهم آوری فضای درون است از طراحی جزئیات تا چیدمان عناصر طراحی شده را شامل می شود . بکارگیری تکنیکهای مناسب طراحی در این بخش ضمن آنکه کیفیت فضا را فزونی می بخشد می تواند به غنای محصول معماری هر چه بیشتر بیافزاید .

۴. تعریف طراح از فضای درون چیست ؟

در فضای درون ۳ موضوع حائز اهمیت است .

اول ، تعاریف فضایی است . که عبارتست از اینکه هر فضا را چگونه می شناسیم و چه ویژگیهایی را برای آن قائل هستیم این تعاریف از کاربری اصلی بنا مانند اداری ، خانه ، رستوران و ... تا عناصر جزئی را شامل می شود . برای مثال تعریفی که طراح از خانه ارائه می دهد چیست یا یک آشپزخانه چگونه کار می کند و باید واجد چه ویژگیهای کمی و کیفی باشد .

دوم ، روابط فضایی درون پروژه است . که عبارتست از چگونگی ارتباط هر فضا با سایر فضاهای پیرامون خود سوم ، رابطه فضای درون و بیرون است . به این معنی که چه میزان و چه کیفیتی از فضای بیرون به درون وارد می شود و چه اثری در فضای درون دارد .

شناخت صحیح روابط و تعاریف فضایی علاوه بر افزایش کارایی فضای داخلی می تواند به بهبود روشهای زندگی در فضاهای گوناگون کمک کند .

کیفیت محصول معماری داخلی که پاسخی است به پرسشهای فوق از ۴ جنبه قابل تأمل و ارزیابی است .

۱. تکنیک طراحی ، که بیانگر توان طراح در بکارگیری درست روش های طراحی و اجرا برای ساخت و پرداخت مصالح ، در فراهم آوری فضا است .

۲. کارکرد درست ، که دوام و آسایش فضای درون را تأمین می کند .

۳. استی، که در وحدت فضای به دست آمده از محصول "معماری داخلی" با خود و گاه با کل "محصول معماری" قابل مشاهده است.

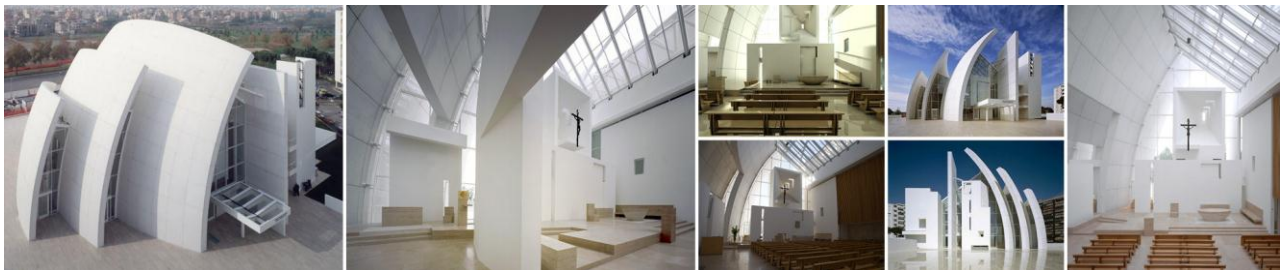
۴. خلاقیت، که از طریق آفرینش روشهای نوین و نیز خلق فضاهایی با تعاریف جدید مشاهده می شود.

آنچه در تصاویر مشاهده می شود اشاره به آثاری است که نمودی از مطالب مورد نظر است:



خانه خیابان پنجم (نیویورک ، آمریکا) – معمار : ریچارد میر

استفاده از مواد گرم به شکل ویژه ، با حداقل تغییرات در ظاهر ساختمان ، برای ایجاد فضایی مدرن با حفظ ظرافت و گرما در اصالت ساختمان تاریخی.



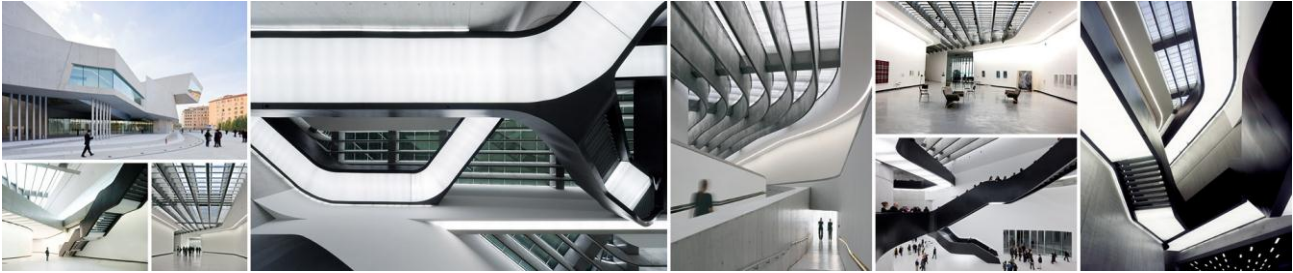
کلیسای جوبیلی (رم ، ایتالیا) – معمار : ریچارد میر

کلیسای جوبیلی یک کلیسای کاتولیک جدید طراحی شده برای قرن ۲۱ است و یکی از مشخصه های آن باز بودن فضاها است. دیوارهای شیشه ای و پنجره های سقفی در داخل سه پوسته بتنی جای گرفته اند. نفوذ نور از پایین ، از طذیق یک شکاف باریک باز از کف انجام می شود. نور از نورگیرهای سقفی وارد می شود و یک تجربه از فضایی روحانی را می دهد. اشعه های نور خورشید در این مکان استعاره ای از حضور خدا در فضای مقدس کلیسا است.



خانه کورمن (پنسیلوانیا ، آمریکا) – معمار : لویی کان

حرکت خورشید در طول روز ، باعث ایجاد سایه در فضای داخلی و خارجی و بوجود آمدن تصاویر و طرح های مختلف از بیرون زدگی های ساختمان در روی سطوح شده است. وحدت فضای داخلی با کلیت معماری به خوبی قابل درک است. طراح با دقت هرچه بیشتر به طراحی جزئیات پرداخته است.



موزه ماکسی (رم ، ایتالیا) – معمار : زاحا حدید

در تمام فضاهای این موزه ، ساختاری منطقی وجود دارد که به صورت ۵ شاخه اصلی متوالی امتداد یافته است. در این ساختمان استفاده از نور روز به صورت نوگرایانه ای از طریق انحنای موجود در سقف و آفتاب گیرها و شعاع های نور از میان روزنه ها باعث جذب نگاه بازدیدکنندگان و متعالی تر کردن فضا می شود. پله های داخلی جزئی از فضا هستند که در وحدت با کل فضای داخلی و کلیت معماری مشاهده می شوند.